



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۶/۱۴

عبدالقیوم میرزاده

تبعات جنگ اسرائیل و ایران

بنابر گزارشات خبرگزاری های جهان شب جمعه مؤرخ ۱۳ جون سال روان اسرائیل با ۲۰۰ طیاره جت جنگی که بقول وزارت خارجه روسیه در پایگاه نظامی انگلیس در مسقط مخفی شده بودند و ده ها طیارات بی پیلوت و راکت های متنوع به اراضی ایران در تهران، تبریز، اصفهان (تاسیسات اتومی نطنز)، لرستان، کرمانشاه، شیراز، خوزستان، همدان و قم حمله کرده و تا کنون در این حملات تنها در تهران ۷۸ نفر شامل رئیس ارکان قوای مسلح ایران، قوماندان عمومی سپاه پاسداران، قوماندان عمومی قرارگاه مرکزی قوای مسلح ایران و شش تن از دانشمندان اتومی ایران کشته و ۳۲۹ نفر زخمی شده اند. همچنان تا کنون تعداد کشته شدگان در تبریز را ۱۸ نفر گزارش شده و از سایر محلات گزارش های رسمی هنوز منتشر نگردیده است.

بقول روزنامه های اسرائیلی ابعاد این حملات بسیار پیچیده بوده و بیشتر طیارات بی پیلوت از داخل اراضی ایران پرتاب و رهبری گردیده است، که مقامات ایرانی تا هنوز در این باره ابراز نظر نکرده اند.

عکس العمل ایران هم با پرتاب چند ده راکت بر شهر های اسرائیل از جمله تل ابیب با تلفات جزئی همراه بوده و بسیاری از طیارات بی سرنشین ایران که بصوب اهدافی در اسرائیل در پرواز بودند از جانب پایگاه های امریکایی در مسیر راه و دافع هوای اردن سقوط داده شدند و تعداد محدودی از آنها به اهداف خویش رسیدند که از تلفات آن گزارش مؤثق ارائه نشده است. تا تحریر این سطور هر دو جانب یکدیگر را با حملات بسیار سنگین نظامی تهدید میکنند و سخن از ادامه حملات مرگبار میزنند.

جنگ های اخیر اسرائیل در لبنان، غزه، سوریه، یمن و چند بار با ایران بسیار فراتر از جنگ های سنتی بوده و بوضاحت ظرفیت بسیار بلند استخباراتی، تکنالوژیک و دسترسی لایتنهای سازمانهای استخبارات و قوای مسلح اسرائیل را نمایان ساخته و دیده میشود که آهسته – آهسته توازن قوا را در شرق میانه به نفع خود رقم میزند. این حملات شباهت زیاد با حملات خرابکارانه اکرائین در روسیه داشته که مقام های ارشد ملکی و نظامی روسیه را نشانه گرفت و از بین برد و همچنان برعلیه نیروی هوایی استراتیژیک روسیه موقفانه عمل کرد.

چنانچه لحظاتی بعد از این حملات تجاوزگرانه بخاک ایران نتانیاهاو صدراعظم اسرائیل طی یک خطابه تلویزیونی ضمن اشاره به توان راکتی ایران که اکنون توانایی تولید حد اکثر راکتهای بالستیک طی سه سال به ده هزار راکت رسیده است و اسرائیل نمی تواند از این بیشتر منتظر بماند اضافه

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکی په خیر و لولی

کرد که درباره این عملیات، ایالات متحده را مطلع کرده‌اند، و تصمیم‌گیری را نیز به رئیس‌جمهور ترامپ واگذار کرده است.

اشتراکات فراوان میان نوعیت، طرز و صورت اجرای این حملات در روسیه، ایران و لبنان، مساعی مشترک سازمانهای استخباراتی اسرائیل و آمریکا را واضحاً نشان می‌دهد.

این حملات همچنان ضعف شدید امنیتی، ناتوانی آشکار دفاعی و ناقص بودن ادارات و شبکه‌های استخباراتی ایران و سایر کشور هاییکه به آنها حملات صورت گرفته را نشان می‌دهد. این حملات نشان داد که هر متجاوزی به راحتی میتواند حریم هوایی و زمینی ایران را نقض کرده و در آن نفوذ کنند.

حملات اسرائیل بر قلمرو ایران تجاوز و نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد و تمام نورم‌ها و مقررات بین‌المللی بوده و نشانه گرفتن اشخاص و افراد مشخص صرف نظر از موقعیت کاری شان یک عمل تروریستی بوده زیرا آنها هرگز در جنگ رویاروی با اسرائیل قرار نداشتند.

حملات امریکا و متحدینش بر افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه، لبنان، یمن و حالا ایران میتواند زنگ خطری باشد به همه کشور های شرق میانه و منطقه خلیج فارس که هرکشوری از اوامر امریکا اطاعت نکند به سرنوشت مشابه دچار خواهد گردید.

به احتمال بسیار زیاد این حملات در تشریک مساعی با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور امریکا، مقامات نظامی و ادارات استخبارات امریکا ترتیب و بمنصه اجرا در آمده است و بمنظور اغفال و فریب اذهان عامه دونالد ترامپ باب مذاکره با ایران را گشوده و طی دو سه ماه برای تحقق پلان مطروحه وقت کمایی کرده و با پخش نظریات متناقض و فریب دهنده ایرانیان را اغفال و جامعه جهانی را بنحوی فریب داد که گویا امریکا مصمم است مسئله غنی سازی یورانیوم را از طریق گفتگو و دیپلماسی به نتیجه برساند اما این ایران است که از گفتگو راه حل دیپلماتیک سرباز میزند. عکس العمل های ترامپ در این دو روز اخیر و تأیید بی چون و چرایش از نتایج حملات اسرائیل هیچ شکی نمیگذارد جزء اینکه همه اقدامات در تفاهم با امریکا و ترامپ اتخاذ گردیده است. در اینصورت امریکا و متحدینش شریک بلامتنزاع این جنگ شمرده میشوند.

همچنان حمله اسرائیل یک کشور دارای زرادخانه های اتمی بر تأسیسات اتمی ایران درمغایرت با معاهدات ان پی تی و احکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داشته، از یکطرف قطعنامه اخیر آژانس بین‌المللی اتمی را فاقد اعتبار ساخت و از طرف دیگر ایران را در باز نگری استراتژی اتمی اش ملزم ساخته و بنحوی مشروعیت میبخشد.

حالا به هر نحوی که این حملات صورت گرفته آیا این حملات از جانب طرفین همانطوریکه فریاد از ادامه حملات میزنند ادامه میابد؟ و به سمت یک جنگ تمام عیار در حرکت است؟

اخبار از پیکن و نشرات ایرانی حاکی از آنست که نیرو های امریکایی در پایگاه های مختلف در شرق میانه به حالت آماده باشد در آمده اند.

ایران نیز به کرات اعلام میدارد که محلات و نیرو های حمایت کننده از متجاوز اهداف مشروع ما بوده و زمزمه هایی از بستن تنگه هرگز نیز در نشرات ایران انعکاس یافته است، که بستن تنگه هرگز ضمن اختلال شدید در انتقال و تجارت نفت جهان وارد میکند برای بسیاری از کشور های جهان حیثیت حیاتی دارد.

گرچه اسرائیل اعلام میدارد که هدف حملات ما نابودی تمام پروگرام های اتمی ایران و نابودی فزیکایی تمام مخالفین توافقات اتمی میان امریکا و ایران میباشد. حتی در بهترین حالت اگر ایرانیان به توافقات اتمی با امریکا توافق کنند اما بیانات ناتانیاها و وزیر دفاع اسرائیل چیزی کمتر از سرنگونی کامل رژیم ایران را عنوان نمیدارد. بناً منطق نظامی ایرانیان تا کنون وضاحت ندارد.

عکس العمل های تاکنون ایرانیان در مقایسه با حملات اسرائیل بسیار ناچیز بوده است.

اما! اگر این حملات میان طرفین در تحت حمایت ایالات متحده امریکا و انگلستان و سایر متحدین شان ادامه بیابد، به احتمال زیاد بهانه ها و زمینه ها را برای شعله ور شدن یک جنگ تمام عیار

بدست میدهد. این جنگ بدون شک منافع قدرت های بزرگ را بنحوی خدشه دار و تحت تأثیر قرار داده و آنها را در مقابل هم قرار خواهد داد و درپهلوی آن هیچ کشوری در منطقه از گزند این جنگ در امان نخواهد ماند. در شرایط موجود تسلیحاتی جهان این جنگ عواقب ناپود کننده برای بشریت و تمدن بشری را در قبال خواهد داشت.